

خطبه برای یکشنبه میانه عید
(انجیل انجیل یوحنا 24، 6-35)

عیسی نان حیات است. این بدان معنی است که او همان چیزی است که برای زنده ماندن ما بر روی زمین ضروری است. با این حال، این گفته به حقیقت دیگر و عمیق تری اشاره دارد: او همان کسی است که ما را قادر می سازد تا زندگی جاودانه بدست آوریم. این همان چیزی است که می گوئیم، ما به این اعتقاد داریم: او فرزند خدا است و توسط انسان، از مریم باکره متولد شده است. این را می گوئیم تا تأکید کنیم که عیسی هم خدا و هم انسان بود که او واقعاً شبیه ما بود، متولد از یک مادر و خالق جهان هستی.

روح القدس نیرویی است که در او نهفته است و نه در ما. به همین دلیل او گناهکار نیست، اما ما گناهکاریم.

مورد بعدی که ما به آن اعتقاد داریم این است که وی در زمان حکومت پنتیوس پیلاتوس رنج برد (و مصلوب شد). این امر عجیب است که انسان دیگری به دلیل اعتقادات فرد دیگری کشته شود. اما دلیل این کار باید این باشد که تأکید کنیم که عیسی مرد واقعی بود نه یک افسانه. ما پنتیوس پیلاتوس را هم از طریق منابع دیگر و هم به توسط کتاب مقدس می شناسیم. در یکی از کتب تاریخی قدیمی به نام تاسیتوس که مربوط به زمان روم قدیم است می خوانیم که در سال 44 به دلیل نزاعی که مابین مسیح و یهودیان در گرفته بود، مسیح توسط پنتیوس پیلاتوس در فلسطین مصلوب شد.

مهم است که مسیح یک شخص واقعی در تاریخ ما باشد و نه فقط خدایی برگرفته شده از داستانهای قدیمی مانند **baal (Baal was a fertility god)** (خدای زایش) که در هر فصل بهار می میرد و بر می خیزد و تنها در آداب و احکام زندگی میکند و در آنجا در مورد او سخن گفته می شود.

ما اعتقاد داریم که عیسی مصلوب شده، درگذشت و سپس مدفون شد. آنطور که مسلمانان در مورد او می گویند، او نیمه مرده نیست و دور نشده است. او با می مگدالن (May Magdalene) ازدواج کرد و زندگی آرامی را در جلیل گذرانید.

اما ما اعتقاد داریم که او واقعاً درگذشت و همه شاهدان اولیه نیز همان را می گویند. ما گروهی از شاگردان عیسی را می شناسیم که در اسرائیل، یونان و بسیاری جاهای دیگر سفر کردند تا در مورد عیسی به عنوان شخصی که مصلوب شده و در گذشته موعظه و سخنرانی کنند.

ما همچنین نامه های پولس را نیز داریم که آنها را چند سال پس از مرگ و رستاخیز عیسی نوشت. این کاملاً دور از عقل (احمقانه) است که بگوئیم عیسی نباید بیش از 50 کیلومتر دورتر از اورشلیم و مادرش زندگی می کرده است و افرادی را که او شفا داد و شاگردانش که به اطراف سفر کردند، دروغ گفته اند.

کسانی که در مورد عیسی می گویند که او فقط نیمه مرده است، آنها 700 تا 800 سال بعد از عیسی در مورد او نوشته اند، همان زمانی که قرآن نوشته شده است، اما این فقط یک دروغ است.

ما بر طبق اعتقاداتمان می گوئیم که عیسی برای نجات جان فراموش شدگان به جهنم رفت. اما چگونه می توانیم این را بدانیم؟ پطرس رسول در مورد آن در نامه اول خود می گوید: عیسی کشته شد و خون او ریخته شد. (و بعد) با روح زنده شد و به طور روحانی نزد افرادی که در زندان بودند، رفت و برای آنها موعظه کرد.

زمانی آن اتفاق باید ما بین زمان دفن و رستاخیز او بوده باشد، زمانی که او به تنهایی خودش بود. بنابراین دلیل اینکه ما معتقدیم این نمی تواند باشد زیرا کسی آن را دیده است.

من فکر می کنم راهی برای بیان این حقیقت این است که (بگوئیم) عیسی نه تنها برای زنده ها، بلکه برای مردگان نیز مرد.

این بدان معنی است که همه کسانی که قبل از شنیدن (کلام) مسیح درگذشته اند ، هنوز هم امیدی به رستگاری دارند.
نقاشی به نام جوآکیم اسکوگارد (Joakim Skovgaard) آن را در تصویری زیبا نشان می دهد:



Joakim Skovgaard: Kristus i de dødes rige. 1891 – 1894

در عکس ورودی جهنم را می بینید. اینجا پر از استخوان و مرگ است ، اما با برکت و نور مسیح ، مردگان زنده می شوند و حوا در مقابل مسیح به عنوان اولین گناهکار و آدم نیز که از او پیروی کرده است، زانو زده اند.
دیگران نیز از مرگ برمی خیزند ، زیرا جایی که مسیح است، مرگ نیست. حتی در مرگ نیز امید و امکان وجود دارد.
بنابراین ، بسیاری در کلیسای قدیمی بر روی قبر عزیزانشان که قبل از مسیحی شدن از دنیا رفته بودند ، تعمیر یافتند ، حتی مردگان هم می توانند نجات پیدا کنند.
اما جهنم؟ آیا واقعاً باید باور داشته باشیم، اگر که به اندازه کافی ژرف بشویم ، به مکانی خواهیم رسید که مردگان به خاطر گناهانشان شکنجه می شوند؟ نه، به این ترتیب من اعتقاد ندارم جهنمی وجود دارد ، اما این بدان معنی نیست که جهنم وجود ندارد! ما در زمین قرار می گیریم و دفن می شویم و ناپدید می شویم.

ما می توانیم از تصاویر مختلفی درباره جهنم و آنچه پس از مرگ اتفاق می افتد استفاده کنیم (جهنم را بشناسیم)، اما باید به این حقیقت اعتقاد داشته باشیم که خدا می فرماید پس از مرگ بدن و روح ما برمی خیزد.

آن مردگان به معنای مرده شدن برای خدا نیستند! چرا که نه؟

زیرا در روز سوم عیسی قیام کرد. این واقعیت مهم است که ما به عنوان مسیحیان در مورد مردگان فکر می کنیم. این شادی بزرگ عید پاک است. ما از اسارت دشمن خود شیطان خارج شدیم. او قدرت بیشتری بر ما ندارد. ما همانطور که مسیح زنده شد زندگی خواهیم کرد. جایی که او هستیم ما خواهیم بود.

اعتقاد در مورد عیسی در جایی به پایان می رسد: (که) او به بهشت رفت و در سمت راست پدر نشسته است و او از آنجا باز خواهد گشت تا بین زندگان و مردگان قضاوت کند. اما به چه معنا است؟ آیا او سوار راکت (موشک) شد یا چیز دیگر؟ و اگر بهشت جسمی بر فراز ابرها نباشد، پس کجا رفت؟ ما با این سخنان حقیقت را ابراز می کنیم، که به گونه دیگر نمی توانیم آنرا توصیف کنیم.

وقتی می خواهیم این دنیا و قلمرو ابدی خدا را تصور کنیم، آنها چیزهای مختلفی هستند، حتی اگر مسیح در هر دو سلطنت داشته باشد. آنچه برای ما معنی دارد این است که در منبر، در کلیسای جامع نیز در زیر تصویر نشان داده شده است، این است که می بینیم رسولان به آسمان نگاه می کنند و می بینند که پای عیسی در ابر محو می شود - این بدان معنی است که خانه ما در بهشت است.

ما از یک عکس برای بیان حقیقت واضح تری استفاده می کنیم. عیسی این کار را خودش انجام می دهد، وقتی او چیزهایی را که در زندگی روزمره خود می شناسیم به ما می گوید، این امر یک معنای مهمتری دارد و آن این است که او ما را به سمت پادشاهی خود که در این جهان نیست و ما به دلیل تعمید، تابعیت آنجا را یافته ایم، سوق می دهد.

بنابراین، او در مورد خودش به عنوان نان حیات صحبت می کند. ما از تصویر این را می فهمیم: (که) اگر غذا نخوریم، نمی توانیم زنده بمانیم. با تعریفی مشابه آن (نان) لازمه زندگی ابدی است که بدون آن، ما نمی توانیم زندگی کنیم. آمین

: lent

دوران چهل روزه از چهارشنبه تا عید پاک که ایام روزه و استغفار است.